

ارزیابی تأثیر ویژگی‌های کالبدی بر وقوع جرائم (سرقت) در مناطق جرم خیز و ارائه راهکارهای پیشگیری وضعی از وقوع جرم (مورد مطالعه چند نقطه جرم خیز شهر سیرجان)

محمد رضا ایران‌نژاد^۱، اسماعیل جهانشاهی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۱/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۲/۲۷

چکیده

زمینه و هدف: امروزه در تمامی شهرهای جهان، به‌ویژه کلان‌شهرها، افزایش نرخ جرم و جنایت نگران‌کننده است و به یکی از دغدغه‌های مهم شهروندان و مدیران شهری تبدیل شده است. هدف این تحقیق ارزیابی تأثیر ویژگی‌های کالبدی بر وقوع جرائم در مناطق جرم خیز و ارائه راهکارهای پیشگیری وضعی از وقوع جرم در شهر سیرجان انجام شده است.

روش‌شناسی: تحقیق حاضر از نوع بنیادی-کاربردی است و روش تحقیق توصیفی-تحلیلی است. جمع‌آوری آمار و اطلاعات از طریق پرسشنامه بر اساس حجم نمونه مشخص شده با استفاده از فرمول کوکران، اقدام به توزیع ۲۰۰ پرسشنامه است. داده‌ها در نرم‌افزار آماری SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند و داده‌های مربوط به بافت محلات در نرم‌افزار GIS نشان داده شده‌اند.

نتایج: نتایج تحقیق نشان می‌دهد شاخص‌های کالبدی مؤثر بر نوع و وقوع جرم در محله ۱ شاخص‌های پوشش گیاهی، کاربری اراضی، وضعیت معابر و آلودگی محیط است، در حالی که شاخص‌های اثرگذار بر نوع و میزان جرم در محله ۲، وضعیت معابر، باز و بسته بودن محیط، خوانایی و آلودگی محیط بوده است. ضمناً با استناد به مطالعات و تحلیل‌های صورت گرفته مشخص شد، که بین تمامی شاخص‌های کالبدی و احساس امنیت در دو محله رابطه معنادار وجود دارد که بیشترین شدت همبستگی در محله ۱ همبستگی شاخص کاربری اراضی با احساس امنیت (۰/۸۰) بوده است. و بیشترین شدت همبستگی در محله ۲ همبستگی شاخص مبلمان و احساس امنیت (۰/۵۵) بوده است.

کلمات کلیدی: کالبدشهر، جرم خیزی، احساس امنیت، شهروندان، شهر سیرجان.

^۱ - کارشناس انتظامی و عضو پژوهشگران دفتر تحقیقات کاربردی فرماندهی انتظامی استان کرمان، ۲۱۸۴۳۲۰-۰۳۴

^۲ - عضو پژوهشگران دفتر تحقیقات کاربردی فرماندهی انتظامی استان کرمان، (نویسنده مسئول)، تلفن: ۰۹۰۱۳۹۲۵۵۵۴ - jahanshahi939@yahoo-com

مقدمه و بیان مسئله

شهرهای امروزی کشور ما به موازات افزایش و گسترش جمعیت و فضاهای کالبدی آنها، با انواع مشکلات و آسیب‌های شهری مواجه هستند. انواع جرم و ناهنجاری باعث ایجاد حس ناامنی و تحمیل مشکلات مالی بر دوش جامعه، دولت و تشکیلات قضایی کشور می‌شود. مبارزه با جرم و کجروی‌های اجتماعی منوط به عوامل جرم‌زاست. بنابراین با از بین بردن این عوامل یا کاهش اثرات آن می‌توان از بروز جرائم پیشگیری نمود و یا حداقل از میزان آن در جامعه کاست (عباسی، ۱۳۸۷).

دو رویکرد در شناسایی رابطه بین امنیت و محیط شهری وجود دارد. از یک طرف محیط فیزیکی به‌عنوان بستری برای ایجاد فرصت ارتکاب جرم و از طرف دیگر نقش آن در احساس امنیت افراد مورد بررسی قرار می‌گیرد (مزینی، ۱۳۸۸). بنابراین ابتدا باید مشخص شود جرم چیست؟ و چه عواملی فرصت‌های ارتکاب جرم را ایجاد می‌کنند. به‌منظور افزایش امنیت در یک محیط، می‌بایست به همه‌ی ابعاد جرم توجه کرد. به‌رغم آنکه مسئله امنیت در هر جامعه یک مسئله پیچیده و دارای ابعاد مختلفی است، در تأمین این نیاز نباید از نقش و تأثیر عوامل محیطی غافل شد. از آنجایی‌که برخی از مناطق شهری نسبت به سایر مناطق بیشتر در خطر ناشی از بروز جرم می‌باشند بر این اساس لزوم توجه به، ارتباط بین آسیب‌پذیری افراد در فضاهای شهری و طراحی محیط زندگی بیش‌ازپیش آشکار می‌شود (برونسدون^۱، ۱۹۹۵). با توجه به مطالب ذکر شده ویژگی و ساختار فیزیکی محیط به‌ویژه محیط‌های شهری در بروز جرائم مختلف تأثیر بسزایی دارند و تغییر در این ساختار مکانی و شرایط محیطی منجر به تغییر در الگوهای رفتاری مجرمین خواهد شد. در این راستا آنچه به‌صورت یک حقیقت ناخوشایند رخ می‌نماید گسترش بیش‌ازپیش جرم و جنایت در

^۱ - Brunsdon

شهرهاست که باعث ایجاد حس ناامنی و ترس در بین شهروندان گردیده است (نظری، ۱۳۸۹). بنابراین شناخت این محدوده‌ها و بررسی مشخصات کالبدی و خصوصیات آن‌ها بسیار اهمیت یافته است تا بدین‌وسیله امکان کنترل و پیشگیری و کاهش نرخ ناهنجاری‌های شهری فراهم آید (کلانتری، ۱۳۸۰). کشور ما نیز مانند بسیاری دیگر از کشورهای دنیا از نظر میزان جرائم و انحرافات اجتماعی دارای وضعیت نابسامانی است. در این بین شهر سیرجان به‌عنوان مرکز شهرستان گرفتار طیف گسترده‌ای از مسائل امنیت ستیز اجتماعی از قبیل افزایش جمعیت، گسترش نابرابری‌های اجتماعی، مهاجرت بی‌رویه از شهرهای اطراف، انجام اعمال بزه‌کارانه، جرائم، ناهنجاری‌های اجتماعی و بسیاری آسیب‌های اجتماعی دیگر است بنابراین با توجه به مطالب ذکرشده ارزیابی تأثیر ویژگی‌های کالبدی بر وقوع جرائم در مناطق جرم خیز و ارائه راهکارهای پیشگیری وضعی از وقوع جرم موضوع اصلی این تحقیق است که این امر می‌تواند منجر به ارائه الگوهای مناسب در جهت کاهش نرخ بزه‌کاری، افزایش آسایش و احساس امنیت شهروندان در محلات شهری گردد.

مفاهیم و پیشینه تحقیق

جرم:^۱ جرم سازه‌ای اجتماعی است که بر نقض ارزش‌های مشترک جامعه توسط یک فرد یا یک گروه دلالت دارد (گومز بواندیا^۲، ۱۳۸۰: ۱). در حقوق کیفری ایران «هر فعل یا ترک فعل که مطابق قانون، قابل مجازات یا مستلزم اقدامات تأمینی و تربیتی باشد، جرم محسوب می‌شود و هیچ امری را نمی‌توان جرم دانست مگر به‌موجب قانون برای آن مجازات و یا اقدامات تأمینی یا تربیتی تعیین شده باشد» و البته اصل سی و ششم قانون

^۱ - crime

^۲ - Gomez Bouvadia

اساسی تصریح کرده است، هیچ عملی جرم نیست، مگر اینکه قانون آن را جرم شناخته باشد و هم‌چنین هیچ مجازاتی قابل‌اعمال نیست مگر آنکه قانون آن را تصریح کرده باشد (شامانی، ۱۳۸۹: ۱۴). به‌عبارت‌دیگر جرم رویدادی پیچیده است، و هنگامی رخ می‌دهد که چهار عامل قانون، بزه‌کار، بزه دیده و مکان بزه‌کاری هم وجود داشته باشد (اشنایدر و تدکچین^۱، ۱۳۸۷: ۱۸).

مکان جرم:^۲ در میان عوامل کلیدی، «مکان جرم» به‌صورت متمایز، از حوزه برنامه‌ریزی، طراحی و مدیریت شهری موردتوجه قرار می‌گیرد. در بررسی تئوری مناطق جغرافیایی، بیشتر رفتار آنومیک (جرم) از نوع تبه‌کارانه‌ی آن مربوط به کیفیت محلات شهری است تا اینکه در اثر خود شهرنشینی باشد. بدین ترتیب احتمالاً محلات بزه‌کاری به وجود می‌آیند که خود به مخزن تمرکز دائمی بزه‌کاران تبدیل می‌شود. از این‌رو پژوهشگران نشان داده‌اند که برخی از محلات، کوچه‌ها و ساختمان‌ها، دارای تمرکز بالایی از بزه‌کاران هستند (گسن^۳، ۱۳۸۶: ۱۱۶). به‌طورکلی می‌توان بیان داشت اگرچه در پیدایش رفتارهای آنومیک و یا جرائم شهری عوامل مختلف در سطوح متفاوت مؤثر هستند؛ ولی هر فضای شهری از لحاظ ویژگی‌های خود می‌تواند افراد بزه‌کار را برای ترکیب جرائم خود در وضعیت مساعد یا نامساعد قرار دهد (حبیب‌زاده و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۲۸).

امنیت: واژه «امنیت» در کاربرد عام به معنای رهایی از مخاطرات مختلف است. فرهنگ آکسفورد این واژه را با عبارت زیر تعریف کرده است: «شرایطی که در آن یک موجود در معرض خطر نبوده یا از خطر محافظت می‌شود» (کینگ و موری، ۱۳۸۳: ۷۸۷). تعاریف

^۱- Schneider and Tedachen

^۲- crime don plan

^۳- Gauss

مندرج در فرهنگ لغات درباره مفهوم کلی امنیت، بر روی «احساس آزادی از ترس» یا «احساس ایمنی» که ناظر بر امنیت مادی و روانی است، تأکید دارند (ماندل^۱، ۱۳۷۹: ۴۶).

امنیت شهری:^۲ اولین تأملات در مورد تأمین امنیت شهرها به دوره رنسانس بازمی‌گردد پیش از آن در جریان قرون وسطی، شکل شهرها معمولاً نتیجه توجه به پدیده امنیت بوده که ساختارهای پناهگاهی را مورد توجه قرار می‌داده است (سیف الهی فخر، ۱۳۸۹: ۱۸). امنیت شهری یعنی داشتن آرامش، اطمینان خاطر و نبود هراس شهروندان از هرگونه خطر و تهدید علیه شهروندان در شهر، فضای شهری، کالبد و زیرساخت‌های شهری و عناصری که در زندگی شهری احساس ناامنی را در شهروندان موجب می‌گردد (ستوده، ۱۳۹۰: ۲۴).

جایگاه عوامل محیطی در پیدایش جرم

عوامل اجتماعی مؤثر بر جرم: در گذشته به علت ثبات زندگی اجتماعی و اشتراک شدید افراد در آداب و رسوم، عرف و سنت این امر مانع بزرگی برای رفتار مجرمانه محسوب می‌شد و جرائم مسئله اجتماعی مهمی به حساب نمی‌آمدند؛ ولی با توسعه تمدن و صنعتی شدن جوامع و پیدایش شهرهای بزرگ و تراکم جمعیت، آداب رسوم اجتماعی و قوانین اخلاقی قدرت دیرین خود را از دست دادند. تناقضات اجتماعی و محرومیت‌ها منجر به بروز انحرافات در جامعه شدند. به‌طور کلی عدم توانایی افراد، خانواده‌ها و گروه‌ها برای تطبیق با محیط اجتماعی منجر به رفتار بزه‌کارانه می‌گردد (حیدریان، ۱۳۷۴: ۱۹۳). به نظر لاکاسانی صاحب‌نظر فرانسوی، محیط اجتماعی، ظرف کشت بزه‌کاری است و میکروب، فرد یا گروه بزه‌کار است، عنصری که وقتی ظرف مستعد باروری خود را بیابد گسترش یافته و رشد می‌کند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۷: ۲۰۷) بر همین اساس غالب

¹ - Mandel

² - urban security

اجتماعات شهری از لحاظ آنکه شرایط موجود در آن‌ها، زمینه را برای بروز حالت خطرناک و انحرافات و بالاخره ارتکاب جرم مستعد و آماده می‌سازد، نسبت به روستاها آمار بیشتری از رفتارهای مجرمانه را گزارش می‌کنند. حتی انواع جرائم در انواع اجتماعات شهری (شهرهای اداری، مذهبی، فرهنگی، صنعتی، توریستی و...) و همچنین در داخل هر یک از اجتماعات محلات و خانواده‌ها به علت متفاوت بودن همان ظرف مستعد تفاوت می‌کند (دانش، ۱۳۶۸: ۲۷۶).

عوامل اقتصادی مؤثر در پیدایش جرم: انگیزه تأمین نیازهای مادی جزء ذات و سرشت هر انسانی است. اما نیازهای مادی و تأمین آن در بین افراد و قشرهای مختلف متفاوت است. در صورتی که اجتماعی نتواند حداقل نیازهای مادی را برای اعضا از راه‌های مشروع و قانونی تأمین نماید، افراد از ابزار نامشروع (ارتکاب جرم) جهت رسیدن به خواسته‌های خود استفاده می‌کنند (محسنی تبریزی، ۱۳۸۳: ۳۶). در واقع بسیاری از رفتارهای آنومیک با انگیزه‌های اقتصادی و رسیدن به منافع ملی و اقتصادی خاص انجام می‌شود. از این رو از مهم‌ترین عوامل پیدایش جرم در هر جامعه می‌توان فقر، بیکاری و شرایط بد اقتصادی را نام برد (ستوده، ۱۳۷۵: ۷۹).

عوامل فرهنگی مؤثر در پیدایش جرم: عوامل فرهنگی پیدایش جرم در جامعه را می‌توان در قالب سه دسته مورد بررسی قرارداد:

الف) عامل درهم‌شکستگی ساختار فرهنگی: در یک جامعه متعادل بین اهداف و هنجارهای فرهنگی و راه‌های پذیرفته‌شده از سوی عامه مردم برای دستیابی به آن‌ها تعادل وجود دارد. آنومی وقتی شروع می‌شود که این رابطه متعادل هم بخورد (رفیع پور، ۱۳۷۸: ۲۱).

ب) عامل ایجادکننده خرده‌فرهنگ کج‌رو: هر نوع رفتار کج‌رو در قالب یک خرده فرهنگ کج‌رو به وجود می‌آید که پیش از آن قطعاً نوعی الگوی جدایی‌گزینی فضایی و تمرکز فقر وجود داشته است (افروغ، ۱۳۷۷: ۲۴۲).

ج) عدم تجانس فرهنگی: شهرها به دلیل هجوم مهاجرین و مردمانی باریشه‌های فرهنگی متفاوت از انسجام فرهنگی لازم برخوردار نیستند و موجب بروز ناهماهنگی و تعارض‌های فرهنگی می‌شوند. در واقع «بزرگ‌ترین دشواری مهاجرین روستایی به شهرها، تعارض فرهنگی و عدم امکان سازگاری آن‌ها با محیط جدید، همچنین ناراحتی‌های روحی ناشی از تحقیر شدن توسط شهرنشینان است. مجمع جهانی بهداشت روانی در سال ۱۹۵۸، تأثیر روانی مهاجرت در وقوع جرم را مورد بررسی قرار داده و ناراحتی روحی مهاجرین را بیش از سایر عوامل مؤثر دانسته است» (بی‌نا، ۱۳۷۵: ۸۷).

عوامل محیطی مؤثر در پیدایش جرم: انسان با توجه به نیازها، ارزش‌ها و هدف‌های خود محیط را دگرگون می‌کند، و به‌طور متقابل تحت تأثیر محیط دگرگون‌شده قرار می‌گیرد. به‌ویژه فناوری پیشرفته، موجب می‌شود تأثیر انسان بر محیط شدت و سرعت یابد. برخی این‌گونه دگرگونی‌های سریع محیط را مخرب و موجب اختلال در نظام اکولوژیک انسان-محیط دانسته، بر این تأکید دارند که هر نوع دگرگونی اساسی و عمیق در محیط طبیعی باید با توجه به تأثیر بلندمدت آن روی انسان و با پیش‌بینی نتایج مثبت و منفی آن انجام گیرد (مرتضوی، ۱۳۶۷: ۷). تاکنون تلاش‌های نری و مطالعاتی گسترده‌ای به‌منظور روشن ساختن تأثیر علی عوامل محیطی بر روی رفتارهای اجتماعی به‌عمل آمده است ولی همه‌ی بررسی‌ها و تحقیقات صورت گرفته و تئوری‌های مطرح‌شده در این زمینه به‌طور کلی به دو بخش تأکید دارند: ۱. تأکید بر عوامل محیط طبیعی (آب‌وهوا، باد،

دما، کوه، دریا، دشت، عرض جغرافیایی) و تأثیر آن بر رفتارهای انسانی است. ۲. یا بر عوامل محیط انسان‌ساخت به‌ویژه محیط‌های شهری بر رفتار تأکید دارند (صالحی، ۱۳۸۷: ۴۵).

با کمی تعمق در مطالعات گذشته می‌توان دریافت در این نظرات تأکید بیشتر بر عوامل محیط طبیعی و تأثیر آن بر انسان و رفتار او بوده است. درحالی‌که تحقیقات کنونی عوامل مربوط به محیط انسانی که انسان را در بر گرفته است، بیشتر مورد توجه است. طبق عقیده غالب، جرم قبل از آن‌که پدیده‌ای جبرگرایانه و ناشی از عوامل قطعی و غیرقابل تغییر محیط طبیعی باشد، پدیده‌ای انسان‌ساخت و متأثر از شرایط محیط انسان‌ساخت جامعه و مکان جرم است (کلانتری، ۱۳۸۰: ۵۲).

به‌طور کلی جرم نوعی رفتار نابهنجار محسوب می‌شود، به‌هر حال هر نوع رفتار نابهنجار در یک بستر محیطی به وقوع می‌پیوندد. در خصوص اینکه تا چه حد محیط بر رفتار انسان تأثیر می‌گذارد، سه دسته دیدگاه اصلی در این زمینه وجود دارد. این دیدگاه‌ها عبارت‌اند از: الف) دیدگاه تعیین‌کنندگی محیط: این دیدگاه در اوایل قرن بیستم مطرح شد. بر اساس این دیدگاه محیط نقش تعیین‌کننده‌ای در رفتار، ادراک و احساس انسان دارد. همچنین در این دیدگاه هر محرک پاسخی خاص را ایجاد نموده و نقش آگاهی و اراده فردی در ایجاد پاسخ نادیده گرفته می‌شود.

ب) دیدگاه امکان‌دهندگی: این دیدگاه محیط فیزیکی را بستری می‌داند که امکانات و محدودیت‌هایی را برای رفتار به وجود می‌آورد، اما محیط تعیین‌کننده رفتار نیست، بلکه مردم بر اساس سایر معیارها، رفتارهای خاص را انتخاب می‌کنند. به‌عبارت‌دیگر محیط، تعیین‌کننده مطلق رفتار نیست، بلکه صرفاً امکان بروز برخی رفتارها را فراهم می‌کند و یا محدودیت‌هایی را برای بروز برخی دیگر از رفتارها به وجود می‌آورد.

ج) دیدگاه احتمال دهندگی: این دیدگاه معتقد است، ضمن اینکه مردم می‌توانند رفتارهای مختلفی را در یک محیط انجام از خود بروز دهند، ویژگی‌های طراحی و عوامل محیط مصنوع می‌توانند احتمال بروز رفتارهای خاص را افزایش دهند. به این ترتیب محیط رفتاری خاص را حمایت می‌کند و احتمال بروز آن را بالا می‌برد. اما تعیین‌کننده بروز رفتاری خاص در محیط نیست (رضازاده، ۱۳۸۸: ۴۹).

اثر عوامل فضایی و کالبدی در پیدایش جرم محلات شهری

در بررسی‌های جغرافیای جرائم (رفتار آنومیک) شهری به چند عامل کلیدی قانون، مجرم، قربانی جرم، مکان جرم و زمان جرم مورد توجه قرار می‌گیرد (برون^۱، ۲۰۰۰: ۲). برحسب تئوری مناطق جغرافیایی بزه‌کاری، بیشترین رفتار آنومیک از نوع تبهکارانه‌ی آن مربوط به کیفیت محلات شهری است تا در اثر خود شهرنشینی، بدین‌سان احتمالاً محلات بزه‌کاری به وجود می‌آید که خود به مخزن دائمی تمرکز بزه‌کاران تبدیل می‌شود. پژوهش‌های جدید نشان می‌دهد، اگر واقعاً توزیع بزه‌کاری شهری برحسب مسین محلات شهری نشان داده شود محدوده‌های بزه‌کاری و حتی منازل بزه‌کار در بعضی از محلات شهر متمرکز می‌گردد. پژوهشگران حتی نشان داده‌اند که بعضی از کوچه‌ها یا ساختمان‌ها مخصوصاً دارای تراکم سنگینی از بزه‌کاران هستند (گسن^۲، ۱۳۷۴: ۱۱۶).

درواقع محلات و مناطق مختلف یک شهر از لحاظ بزه‌کاری با یکدیگر متفاوت بوده، بعضی از آن‌ها جرم‌خیزتر از بقیه هستند. بنابراین احتمال بزه‌کاری افرادی که در محله‌های پرجمعیت و فقیرنشین شهرها یا در آلودگی‌ها و زاغه‌های حاشیه شهرهای با حداقل

1 - Brown

2 - Gauss

امکانات رفاهی زندگی می‌کنند، به مراتب بیش از افرادی است که در محلات کم جمعیت و مرفه شهرها سکونت دارند (بی‌نا، ۱۳۷۵: ۸۴).

مبانی نظری

مکتب اکولوژی اجتماعی شیکاگو: مطالعات اکولوژی اجتماعی شهرها به شدت از مکتب جامعه‌شناسی شیکاگو طی دهه ۱۹۲۰-۱۹۳۰ تأثیر پذیرفت و طی ۶۰ سال اخیر بیش از دیگر مکاتب شهری بحث‌هایی را در مطالعات شهری مطرح کرد. این مکتب اولین بار در سال ۱۹۱۶ در زمینه‌ی بررسی‌های شهری به وجود آمد. بنیان‌گذاران این مکتب معتقدند گروه‌های شهری با هر پایگاه اجتماعی و اقتصادی و قومی، مانند گونه‌های گیاهی در حرکت به سوی تعادل و توازن، همه مراحل اکولوژی را در زیستگاه خویش در طول زمان طی می‌کنند، به نظر می‌رسد شرایط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی شهر شیکاگو در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم از عامل اصلی پیدایش این مکتب در دانشگاه شیکاگو بوده است.

از تحقیقات صورت گرفته در اکولوژی اجتماعی شیکاگو، به طور خلاصه می‌توان به یافته‌های زیر اشاره کرد:

- الف. مناطق مختلف شهر شیکاگو دارای نوع و میزان متنوعی از قانون‌شکنی و جرم هستند به عبارتی برخی مناطق مجرمین بیشتر و برخی مجرمین کمتری دارد.
- ب. نرخ جرائم به نسبت فاصله از مرکز شهر، به طور گسترده‌ای تفاوت پیدا می‌کند.
- ج. بالاترین نرخ‌های جرم مربوط به این مناطق هستند: نواحی که ساختار فیزیکی به هم‌ریخته‌ای دارند و نواحی که جمعیتشان را از دست می‌دهند.
- د. نرخ‌های بالای جرم در طول زمانی ثابت باقی می‌ماند، حتی اگر ترکیب جمعیت تغییر یابد.

ه. جرائم برخاسته از بی‌سازمانی اجتماعی هستند.

و. جدایی‌گزینی اجتماعی سبب ترویج تفاوت‌های فرهنگی شده که در نهایت باعث

عدم کارایی اجتماعی می‌گردد (کامران‌نیا، ۱۳۸۵-۱۳۸۴: ۱۶).

جرم‌شناسی محیطی: در مطالعات پیشین جغرافیای بزه‌کاری می‌توان دریافت در این

بررسی‌ها تأکید بیشتر بر عوامل محیط طبیعی آب‌وهوا، باد، دما، کوه، دریا، دشت، عرض

جغرافیایی و تأثیر آن بر انسان و رفتار او بوده است، در حالی که در تحقیقات کنونی عوامل

مربوطه به محیط انسانی (اجتماع) و شرایط اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی که انسان را در

برگرفته است، بیشتر مورد توجه است. طبق عقیده غالب، جرم قبل از آنکه پدیده‌ای

جبرگرایانه و ناشی از عوامل قطعی و غیرقابل تغییر محیط طبیعی باشد، پدیده‌ای اجتماعی

و متأثر از شرایط اقتصادی اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جامعه و مکان جرم است

(کلانتری، ۱۳۸۰: ۵۱). دگرگونی سریع محیط یکی از ویژگی‌های بنیادی زمان ماست، هر

روز شهرها و محله‌ها و بناهای جدیدی ساخته می‌شوند. قرارگاه‌های کالبدی برخی

الگوهای رفتاری و تنش‌های اجتماعی نوینی را بر ساکنین خود تحمیل می‌کنند و یا برخی

الگوهای رفتاری و نقش‌های اجتماعی را تقویت و برخی دیگر را تضعیف کرده و به‌طور

خلاصه جهت جدیدی به رفتار ساکنین خود می‌بخشند. (کامران‌نیا، ۱۳۸۵-۱۳۸۴: ۱۸).

نظریه ارتباط جرم با تراکم جمعیت: مطابق این نظریه، افزایش جرم و جنایت رابطه

مستقیمی با افزایش تراکم جمعیت دارد. در سال ۱۹۶۸ انگلز در بررسی جرائم خیابانی

کالیفرنیا ارتباط بین جرم و تراکم جمعیت را اثبات نمود. وی همچنین معتقد به وجود

افزایش جرم و تراکم فعالیت‌ها در خیابان‌های شهر شد (کلانتری، ۱۳۸۰: ۸۰).

نظریه پنجره‌های شکسته: طبق این دیدگاه، پنجره‌های شکسته یک ساختمان، نشانه

نبود کنترل فردی و جمعی در آنجاست و نبود کنترل‌های اجتماعی به مثابه چراغ سبز برای

مجرمینی است که منتظرند تا فرصت را غنیمت شمرده و در این مکان‌ها مرتکب جرم شوند. ساختمان‌های صنعتی و تجاری بدون سکنه، در و پنجره‌های شکسته، دیوارهای ترک‌دار و مخروبه، محوطه‌های عمومی کثیف و پر از آشغال در برخی مناطق شهر احتمال وقوع جرم را در این مکان‌ها افزایش می‌دهد و این نشان می‌دهد برخی محیط‌های خاص جاذب مجرمینی بالقوه برای ارتکاب جرم است (همان، ۸۲).

نظریه طراحی در برابر جرم: تقریباً هم‌زمان با شکل‌گیری نظریه پیشگیری جرم از طریق طراحی محیطی، در جامعه علمی بریتانیا تئوری‌های مشابهی مطرح گردید. به‌طوری‌که پونیز در خلال دهه ۱۹۸۰ در کتاب خود با عنوان طراحی علیه جرم اظهار داشت: برای جلوگیری از وقوع جرائم شهری بایستی به مکان‌های با امکان دسترسی سریع مجرمین و همچنین امکان خروج سریع توجه کافی شود. چراکه این مکان‌ها عامل مهمی در وقوع جرائم هستند. این دیدگاه برخی مشخصات کالبدی شهر را مؤثر در وقوع جرم دانسته و به طراحان شهر برای ساخت فضاهای مقاوم‌تر در برابر جرم توصیه‌هایی دارد (کلانتری، ۱۳۸۰: ۸۸).

روش‌شناسی تحقیق

در پژوهش حاضر پس از جمع‌آوری آمار و اطلاعات و داده‌های تحقیق تجزیه و تحلیل به صورت توصیفی - تحلیلی با تکیه بر استفاده از شیوه‌های تجزیه و تحلیل کیفی انجام گرفته است. نوع تحقیق نیز کاربردی است.

برای پیشبرد پژوهش حاضر در راستای اهداف و فرضیه‌های مطرح شده، شاخص‌های کالبدی مؤثر در وقوع انواع جرائم و احساس امنیت با استفاده از منابع متعدد گردآوری گردیده است و در ۱۰ شاخص شامل: کاربری اراضی، تناسبات بصری، مبلمان و علائم، آلودگی محیط، معابر، پوشش گیاهی، نظارت غیررسمی، باز و بسته بودن محیط، خوانایی و فشردگی بافت و نفوذپذیری تقسیم‌بندی شده است، و هر یک از شاخص‌های کالبدی مؤثر در وقوع جرم و احساس امنیت از منظر گویه‌های طراحی شده مورد آزمون قرار گرفته‌اند.

جمع‌آوری آمار و اطلاعات از طریق پرسشنامه بر اساس حجم نمونه مشخص شده با استفاده از فرمول کوکران، از بین شهروندان محدوده بافت تاریخی و بازار (محل ۱) ۲۰۰ نفر، و برای شهروندان محدوده (محل ۲) ۱۵۰ نفر انتخاب شده‌اند. در این پژوهش از دو شیوه کتابخانه‌ای و میدانی برای جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات استفاده شده است.

داده‌ها در نرم‌افزار آماری SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند و داده‌های مربوط به بافت محلات در نرم‌افزار GIS نشان داده شده‌اند. در راستای نیل به هدف پژوهشی از آزمون‌های کلموگروف اسمیرونوف، من‌ویتنی، ویل کاکسون، همبستگی اسپیرمن و فریدمن استفاده شده است.

یافته‌های تحقیق

جدول شماره ۱: گویه‌های مورد بررسی در هریک از شاخص‌ها

گویه‌ها	شاخص‌های کالبدی	شاخص‌های کالبدی مؤثر بر امنیت و جرم در محله‌های ۱ و ۲
وجود فعالیت‌هایی که باعث ناامنی می‌شوند.	کاربری اراضی	
فعالیت کاربری‌ها در شب		
وجود کاربری‌هایی برای تفریح و گذران اوقات فراغت		
وجود فعالیت‌هایی با جریان دائمی		
وجود زمین‌های رهاشده و امکان سوءاستفاده برای مجرمین	تناسبات بصری	
وجود ساختمان‌هایی با ظاهر کثیف و مخدوش		
وجود عناصر طبیعی مؤثر بر کاهش دید افراد		
وجود تابلوهای کثیف و شکسته		
آرام‌بخش بودن رنگ‌های بکار گرفته در فضا	مبلمان و علائم	
وجود نقشه‌هایی از موقعیت و مسیرها در فضاهای عمومی		
مناسب بودن نورپردازی در محله		
موقعیت مراکز خرید برای خروج راحت از منزل در شب		
قابل‌رؤیت بودن علائم راهنما و اسامی خیابان‌ها در شب	بهداشت	
وجود باجه‌های تلفن عمومی در تمامی خیابان‌های اصلی و فرعی		
وجود تابلوی نام برای تمام کوچه‌ها و خیابان‌ها		
روشن بودن ورودی کوچه‌ها، خیابان‌ها و معابر فرعی		
روشن بودن محدوده‌های هم‌جوار ایستگاه‌های اتوبوس	معابر	
مانع نشدن حفاظ و سرپناه ایستگاه‌های اتوبوس از پخش نور		
میزان زباله‌های رهاشده و سطل زباله کافی		
وجود فضاهای غیر بهداشتی که عامل جذب مجرمین باشند		
امکان فرار مجرمین به خاطر وضعیت معابر		
مناسب بودن پوشش کف معابر برای پیاده‌روی		
وجود فضاهای مخفی از دید و امکان کمین کردن مجرمین		
پیاده‌روی راحت بدون نگرانی از برخورد با وسایل نقلیه		
پنهان شدن مجرمین به خاطر شیب خیابان‌ها		
وجود پوشش گیاهی		

پنهان شدن مجرمین با استفاده از وضعیت پوشش گیاهی	پوشش گیاهی
تأثیرگذاری فاصله بین درختان بر امنیت خانه‌ها استفاده از پوشش گیاهی برای ارتکاب جرم	
امکان نظارت کامل بر کوچه از طریق پنجره منزل	نظارت
امکان نظارت کاسبان بر خیابان‌ها و کوچه‌ها	
قابل‌رؤیت بودن افراد منتظر در ایستگاه‌ها از ساختمان‌ها	
قرار داشتن ورودی دستگاه‌های خودپرداز به سمت خیابان‌ها	
قابل مشاهده بودن ورودی ساختمان‌ها	
هم‌سطح بودن پارک‌ها و استراحتگاه‌ها با سطح خیابان	
امکان مشاهده کامل زمین‌های بازی کودکان توسط عابرین	دسترسی
جدا بودن قلمرو فضاهای عمومی و خصوصی	
مشخص بودن قلمرو عابرین پیاده از مسیرهای ترافیک	
امکان ورود اتومبیل‌ها به پارکینگ عمومی و خصوصی در محله برای حفظ امنیت آن‌ها	
مهیا کردن شرایط خیابان‌ها و کوچه‌ها برای نفوذپذیری و دسترسی به پشت‌بام‌ها برای مجرمین	
احساس امنیت در یک محیط باز	
احساس امنیت در یک محیط بسته	
مؤثر بودن بافت محله در بهبود امنیت	
وجود ساختمان‌ها و مکان‌های شاخص	
سابقه گم کردن محله و پیدا کردن مسیر به‌سختی	
آشنا بودن مسیرها و معابر محله	خوانایی
نشان دادن تابلوهای راهنما مسیر و جهات در ورودی پارک‌ها	
نشان دادن محل تلفن‌ها و شماره‌های کمک‌رسانی در تابلوها	
نشان دادن مسیرها و زمان‌های حرکت وسایل حمل‌ونقل عمومی در تابلوهای اطلاعاتی	

مأخذ: برگرفته از مطالعات انجام‌شده توسط نگارنده

رتبه‌بندی شاخص‌های کالبدی در محله‌ها

از آزمون فریدمن برای بررسی یکسان بودن اولویت‌بندی (رتبه‌بندی) تعدادی از متغیرها توسط افراد استفاده می‌شود (مؤمنی، ۱۳۸۷: ۱۰۷). نتیجه حاصل از این آزمون بیان می‌کند که در صورت عدم یکسان بودن رتبه‌ها، هرچقدر میانگین رتبه‌ها کوچک‌تر باشد، اهمیت آن متغیر بیشتر است. به‌منظور بررسی وضعیت شاخص‌ها (از نظر مطلوبیت هر یک از شاخص‌ها) جهت رتبه‌بندی از این آزمون استفاده شده است که نتایج آن در جدول قابل‌نمایش است. نتایج حاصل از آزمون فریدمن در این پژوهش نشان می‌دهد که در محله ۱ آلودگی محیط و پوشش گیاهی و در محله ۲ آلودگی محیط و باز و بسته بودن محیط، در بین شاخص‌های موردبررسی دارای شرایط نامساعدتری هستند و در نتیجه دارای اهمیت بیشتری می‌باشند، بدین معنا که در برنامه‌ریزی برای محله‌های مورد مطالعه باید در اولویت قرار بگیرند. در جدول ۲؛ با استناد به مقدار آزمون χ^2 (۲۳۰۱ و ۲۴۷۴) که در سطح خطای کوچک‌تر از ۰/۰۱ معنی‌دار است، باید گفت که به لحاظ آماری با اطمینان ۰/۹۹ وضعیت شاخص‌ها با یکدیگر متفاوت است.

جدول شماره ۲: کیفیت تفاوت میانگین‌ها (رتبه‌بندی شاخص‌ها)

شاخص	محله ۱	محله ۲
کاربری اراضی	۴	۴
تناسبات بصری	۴	۳
میلان و علائم	۳	۸
آلودگی محیط	۱	۰۵۳
معابر	۰۳۲	۵
پوشش گیاهی	۰۵۱	۳
نظارت غیررسمی	۴	۶
باز و بسته بودن محیط	۰۵۴	۷
خوانایی	۰۷۴	۵

جدول شماره ۳: بیان معناداری یا عدم معناداری تفاوت میانگی شاخص‌ها

	محلۀ ۱	محلۀ ۲
تعداد	۲۰۰	۱۵۰
مقدار آزمون	۰۰.۱۰۷۹	۰۰.۹۴۷
درجه آزادی	۸	۸
معیار تصمیم	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰

نوع و میزان وقوع جرائم در محلۀها

بر اساس جدول تعداد کل جرائم ارتكابی در دو محلۀ سیرجان در بازه‌ی زمانی ۱۲ ماهه در سال ۱۳۹۴، که در فرماندهی انتظامی سیرجان برای آن‌ها پرونده قضایی و انتظامی تشکیل شده است ۷۲ فقره بوده است. که مجموعاً شامل ۷ نوع جرم (سرقت) است. فراوانی هر یک از جرائم در محلۀها نشان می‌دهد که سرقت موتور بیشترین میزان وقوع جرم را در بین دیگر جرائم ارتكابی را داراست.

جدول شماره ۴: نوع و میزان وقوع جرائم در محلۀها

نوع جرم	محلۀ	نوع و میزان وقوع جرائم در محلۀها						
		قطعات ماشین	سرقت ماشین	سرقت اماکن تجاری	سرقت موتور	سرقت منزل	کشی روزنی	سایر
محلۀ ۱	۱۲	۱۱	۱	۲۰	۰	۶	۵۰	
محلۀ ۲	۲	۱	۲	۰	۱	۱	۷	
کل	۱۴	۱۲	۳	۲۰	۱	۷	۱۵	

مقایسه نوع و میزان جرائم ارتكابی در محلۀها نشان می‌دهد که ۶۹/۴۴ درصد کل جرائم ارتكابی در این دو محلۀ، در محلۀ ۱ رخ داده است. بیشترین میزان جرائم ارتكابی در این محلۀ مربوط به سرقت موتور، قطعات و ماشین بوده است. و بیشترین جرائم ارتكابی در

محل ۲ مربوط به سرقت قطعات و اماکن تجاری بوده است. یکی از عوامل اصلی در رابطه با این مسئله وجود بافت مسکونی-تجاری در محل ۲ و بافت مسکونی و قشر کم‌درآمد در محل ۱ بوده است، همچنین عامل دیگر در محل ۲ مسئله اقتصادی است که اکثر ساکنین آن از قشر ثروتمند جامعه بوده و این خود عاملی برای جذب مجرمین است، در محل ۱ یک طبقه بودن منازل و دسترسی بسیار آسان مجرمین به خاطر وضعیت بد معابر و شکل ساختمان‌ها است که دسترسی آسان مجرمین را فراهم می‌سازد.

ارزیابی رابطه بین شاخص‌های کالبدی و احساس امنیت ساکنین محله‌های ۱ و ۲

با توجه به نتایج آزمون همبستگی اسپیرمن برای متغیرهای کاربری اراضی، مبلمان و علائم، تناسبات بصری، خوانایی، آلودگی محیط، نظارت غیررسمی و معابر به‌عنوان متغیر مستقل و احساس امنیت به‌عنوان متغیر وابسته، سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ به دست آمد، می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که با اطمینان ۰/۹۵ متغیرهای وابسته و مستقل با یکدیگر رابطه دارند. رابطه بین دو متغیر فشردگی بافت و امنیت در قسمت قبل اثبات گردیده است. جهت بررسی شدت رابطه با توجه به توزیع غیر نرمال داده‌های جمع‌آوری شده از آزمون همبستگی اسپیرمن استفاده شده است. با توجه به مقدار $p\text{-value} (0/00)$ در مقایسه دو متغیر، مورد تمامی متغیرهایی که وارد آزمون شدند می‌توان نتیجه گرفت که:

$$p.\text{value} = 0 < 0/05$$

بنابراین ضریب همبستگی در سطح آزمون معنی‌دار است. با توجه به مقادیر ضریب همبستگی در رابطه با شاخص‌های کالبدی می‌توان به نتایج زیر دست یافت:

مقدار ضریب همبستگی در دو متغیر کاربری اراضی و احساس امنیت برای محله کیانپارس برابر با ۰/۸۰ و محل ۲ برابر با ۰/۲۲ است، بنابراین همبستگی بین دو متغیر در

محلّه ۱ قوی و در محلّه ۲ ضعیف است و بین میزان احساس امنیت و وضعیت کاربری اراضی رابطه خطی مثبت وجود دارد.

مقدار ضریب همبستگی در دو متغیر مبلمان و احساس امنیت برای محلّه ۱ برابر با ۰/۶۷ و محلّه ۲ برابر با ۰/۵۵ است، بنابراین همبستگی بین دو متغیر در هر دو محلّه متوسط است و به عبارتی افزایش احساس امنیت در گرو بهبود آن، و با بهبود کیفیت مبلمان در سطح محلات احساس امنیت نیز افزایش می‌یابد.

مقدار ضریب همبستگی در دو متغیر تناسبات بصری و احساس امنیت برای محلّه ۱ برابر با ۰/۰۰ و محلّه ۲ برابر با ۰/۲۲ است، بنابراین همبستگی بین دو متغیر در محلّه ۱ وجود ندارد، و در محلّه ۲ ضعیف است و بین میزان احساس امنیت و وضعیت تناسبات بصری رابطه خطی مثبت وجود دارد.

مقدار ضریب همبستگی در دو متغیر خوانایی و احساس امنیت برای محلّه ۱ برابر با ۰/۵۳ و محلّه ۲ برابر با ۰/۲۷ است، بنابراین همبستگی بین دو متغیر در هر دو محلّه متوسط است و بین میزان احساس امنیت و وضعیت خوانایی رابطه خطی مثبت وجود دارد.

مقدار ضریب همبستگی در دو متغیر آلودگی محیط و احساس امنیت برای محلّه ۱ برابر با ۰/۵۹ و محلّه ۲ برابر با ۰/۰۰ است، بنابراین همبستگی بین دو متغیر در هر محلّه نسبتاً قوی است و در محلّه ۲ همبستگی وجود ندارد.

مقدار ضریب همبستگی در دو متغیر معابر و احساس امنیت برای محلّه ۱ برابر با ۰/۶۵ و محلّه ۲ برابر با ۰/۳۱ است، بنابراین همبستگی بین دو متغیر در محلّه ۱ قوی و در محلّه ۲ متوسط است.

مقدار ضریب همبستگی در دو متغیر نظارت غیررسمی و احساس امنیت برای محله ۱ برابر با ۰/۲۴ و محله ۲ برابر با ۰/۲۰ است، بنابراین همبستگی بین دو متغیر در دو محله ضعیف است.

مقدار ضریب همبستگی در دو متغیر پوشش گیاهی و احساس امنیت برای محله ۱ برابر با ۰/۶۵ و محله ۲ برابر با ۰/۲۸ است، بنابراین همبستگی بین دو متغیر در محله ۱ قوی و در محله ۲ متوسط است و بین میزان احساس امنیت و وضعیت پوشش گیاهی رابطه خطی مثبت وجود دارد.

مقدار ضریب همبستگی در دو متغیر باز و بسته بودن محیط و احساس امنیت برای محله ۱ برابر با ۰/۲۴ و محله ۲ برابر با ۰/۲۹ است، بنابراین همبستگی بین دو متغیر در هر دو محله ضعیف است و بین میزان احساس امنیت و وضعیت باز و بسته بودن محیط رابطه خطی مثبت وجود دارد.

آزمون فرضیات تحقیق

فرضیه اول: ویژگی‌های متفاوت کالبدی محلات بر نوع و میزان وقوع جرم برای ساکنین آن اثرات متفاوتی دارد.

با مطابقت دادن نتایج حاصل از آزمون‌های من‌ویننی، و فریدمن که در فصل چهارم انجام شد، در دو محله می‌توان به این نتیجه رسید که شاخص‌های کالبدی مؤثر بر نوع و وقوع جرم در محله اشخاص‌های آلودگی محیط، پوشش گیاهی، وضعیت معابر و مبلمان شهری است، درحالی‌که شاخص‌های اثرگذار در محله ۲ پوشش گیاهی، تناسبات بصری، آلودگی محیط و کاربری اراضی بوده است. از طرفی محیط اقتصادی و اجتماعی متفاوت این دو محله را نیز می‌توان به‌عنوان عوامل تأثیرگذار بر وقوع جرم در دو محله دانست. بنابراین فرضیه اول این پژوهش تأیید می‌شود.

فرضیه دوم: بین ویژگی‌های متفاوت کالبدی محلات و احساس عدم امنیت ساکنین این محلات رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

برای مشخص شدن رابطه بین شاخص‌های کالبدی (کاربری اراضی، تناسبات بصری، مبلمان شهری، آلودگی محیط، معابر، پوشش گیاهی، نظارت غیررسمی) به‌عنوان متغیرهای مستقل و شاخص احساس امنیت در دو محله به‌عنوان متغیر وابسته از آزمون همبستگی اسپیرمن استفاده شده است. با استناد به مطالعات و تحلیل‌های صورت گرفته مربوط به این فرضیه که در فصل چهار قابل مشاهده است. می‌توان نتیجه گرفت که بین تمامی شاخص‌های کالبدی و احساس امنیت در دو محله رابطه معنادار وجود دارد و شدت همبستگی بین آن‌ها از همبستگی ضعیف تا همبستگی خیلی قوی در نوسان بوده است. با توجه به نتایج آزمون‌ها در فصل چهار فرضیه فوق تأیید می‌شود.

نتیجه‌گیری

در هزاره جدید به دلیل گسترش شهرنشینی و پیدایش کلان‌شهرها، بروز انواع مسائل و مشکلات شهری از جمله میزان بالای بزه‌کاری نمود خاصی یافته است. مسئله‌ای که بشر با تمام امکانات و پیشرفت‌های علمی حاضر تاکنون نتوانسته آن را کنترل و از ازدیاد سرسام‌آور آن پیشگیری نماید. در واقع بزه‌کاری پدیده بسیار پیچیده اجتماعی است که در محیط‌های اجتماعی مختلف به شکل‌های متفاوتی دیده می‌شود. در واقع منشأ این اختلافات را باید در ساختارهای اجتماعی و اقتصادی و نابسامانی‌های حاصل از آن‌ها جست‌وجو کرد که در صورت وجود یک بستر مکانی و زمانی مساعد زمینه بروز جرم و تکرار آن را فراهم می‌کند و به‌مرورزمان یک محیط جغرافیایی را به یک کانون جرم خیز تبدیل می‌کند. مجرمین در انتخاب مکان بسیار سنجیده و منطقی عمل می‌کنند و مکان‌هایی را جهت اعمال مجرمانه خود برمی‌گزینند که امنیت بیشتری برای ارتکاب بزه داشته باشد.

از این رو ویژگی‌ها و ساختار محیط به‌ویژه محیط‌های شهری در بروز جرائم مختلف تأثیر بسزایی دارند و تغییر در این ساختار مکانی و شرایط محیط‌های منجر به تغییر در الگوهای رفتاری مجرمین خواهد شد. در واقع می‌توان گفت برخی مشخصات کالبدی در وقوع جرم و احساس امنیت شهروندان مؤثر است و می‌توان با تغییر ساختار فضا اعم از نحوه نورپردازی معابر، وجود مراکز تفریحی و گذران اوقات فراغت، طراحی مناسب ساختمان‌ها و شهرسازی با برنامه، طراحی و مهندسی مناسب محیط و منظر، همچنین حضور و نظارت پلیس و به‌کارگیری تجهیزات، ابزار و فناوری‌های نوین در مقاطع زمانی خاصی بر یک مکان ویژه، می‌توان از وقوع جرم را کاهش داد و از طرفی احساس امنیت را در بین کاربران فضا افزایش داد.

با در نظر گرفتن شاخص‌های کالبدی بر اساس مبانی نظری موجود و میزان جرائم ارتكابی، ابتدا با استفاده از آزمون‌های من‌ویتی و فریدمن تفاوت بین این شاخص‌ها در محلات مورد سنجش قرار گرفت و سپس ارتباط آن‌ها با نوع و میزان جرائم مورد بررسی قرار گرفت.

- **کاربری اراضی:** از مقایسه جدول آزمون فریدمن که وضعیت مطلوبیت شاخص کاربری اراضی را در دو محله نشان می‌دهد، می‌توان گفت وضعیت این شاخص در محله ۱ دارای شرایط نامطلوب‌تری نسبت به محله ۲ بوده است، بنابراین شاخص کاربری اراضی را می‌توان عاملی تأثیرگذار بر بالا بودن میزان جرائم در محله ۱ دانست.
- **تناسبات بصری:** از مقایسه جدول آزمون فریدمن که وضعیت مطلوبیت شاخص تناسبات بصری را در دو محله نشان می‌دهد، می‌توان گفت وضعیت این شاخص در محله ۲ دارای شرایط نامطلوب‌تری نسبت به محله ۱ بوده است، بنابراین شاخص تناسبات بصری را می‌توان عاملی تأثیرگذار بر میزان جرائم در محله ۲ دانست.

- **مبلمان و علائم:** از مقایسه جدول آزمون فریدمن که وضعیت مطلوبیت شاخص مبلمان را در دو محله نشان می‌دهد، می‌توان گفت وضعیت این شاخص در محله ۱ دارای شرایط نامطلوب‌تری نسبت به محله ۲ بوده است، بنابراین شاخص مبلمان و علائم را می‌توان عاملی تأثیرگذار بر میزان جرائم در محله ۱ دانست.

- **آلودگی محیط:** از مقایسه جدول آزمون فریدمن که وضعیت مطلوبیت شاخص آلودگی محیط را در دو محله نشان می‌دهد، می‌توان گفت وضعیت این شاخص در دو محله دارای شرایط نامطلوبی بوده است، بنابراین شاخص آلودگی محیط در هر دو محله را می‌توان عاملی تأثیرگذار بر جرم دانست.

- **معاپر:** از مقایسه جدول آزمون فریدمن که وضعیت مطلوبیت شاخص معاپر را در دو محله نشان می‌دهد، می‌توان گفت وضعیت این شاخص در محله ۱ دارای شرایط نامطلوب‌تری نسبت به محله ۲ بوده است، بنابراین شاخص معاپر را می‌توان عاملی تأثیرگذار بر میزان جرائم در محله ۱ دانست.

- **پوشش گیاهی:** از مقایسه جدول آزمون فریدمن که وضعیت مطلوبیت شاخص کاربری اراضی را در دو محله نشان می‌دهد، می‌توان گفت وضعیت این شاخص در دو محله دارای شرایط نامطلوبی بوده است، بنابراین شاخص پوشش گیاهی را می‌توان عاملی تأثیرگذار بر بالا بودن میزان جرائم در دو محله دانست.

- **نظارت غیررسمی:** از مقایسه جدول آزمون فریدمن که وضعیت مطلوبیت شاخص نظارت غیررسمی را در دو محله نشان می‌دهد، می‌توان گفت وضعیت این شاخص در دو محله دارای شرایط نامطلوبی بوده است، بنابراین شاخص نظارت را می‌توان عاملی تأثیرگذار بر بالا بودن میزان جرائم در دو محله دانست.

- باز و بسته بودن محیط: از مقایسه جدول آزمون فریدمن که وضعیت مطلوبیت شاخص باز و بسته بودن محیط را در دو محله نشان می‌دهد می‌توان گفت وضعیت این شاخص در دو محله دارای شرایط نامطلوبی بوده است، بنابراین شاخص پوشش گیاهی را می‌توان عاملی تأثیرگذار بر بالا بودن میزان جرائم در دو محله دانست..

- خوانایی: از مقایسه جدول آزمون فریدمن که وضعیت مطلوبیت شاخص خوانایی را در دو محله را نشان می‌دهد، می‌توان گفت وضعیت این شاخص در محله ۱ دارای شرایط نامطلوب‌تری نسبت به محله ۲ بوده است، بنابراین شاخص خوانایی را می‌توان عاملی تأثیرگذار بر میزان جرائم در محله ۱ دانست.

فشردگی بافت: با توجه به نقشه ریزدانگی در دو محله، دو محله از لحاظ فشردگی بافت با یکدیگر تفاوت چشم‌گیری داشته‌اند، که هر یک از بلوک‌های مورد بررسی به طریقی تسهیل‌کننده وقوع جرم در محلات بوده‌اند.

با توجه به نتایج آزمون همبستگی اسپیرمن برای متغیرهای کاربری اراضی، مبلمان و علائم، تناسبات بصری، خوانایی، آلودگی محیط، نظارت غیررسمی و معابر به‌عنوان متغیر مستقل و احساس امنیت به‌عنوان متغیر وابسته، سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ به دست آمد، می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که با اطمینان ۰/۹۵ متغیرهای وابسته و مستقل با یکدیگر رابطه دارند. همچنین تمامی شاخص‌های متغیر مستقل و متغیر وابسته همبستگی مثبتی با یکدیگر داشتند.

پیشنهادها

• همراه سازی و تشویق مردم جامعه در قالب مشارکت در امر پیشگیری و تأمین امنیت.

• اولویت بخشی به فعالیت های پلیس بر پایه استفاده بیشتر از فناوری های نوین و تهیه نقشه های بزه کاری و تحلیل الگوهای جرم، شناسایی محل های وقوع جرم در آینده و یا تخصیص محل اقامت بزه کار.

• تغییر در طراحی فضاهای گم و فاقد دید بصری که بنا بر علل مختلف از جمله علل کالبدی، نبود روشنایی و آشکار نشدن جرم به علت تاریکی، که فضاهای مناسبی را برای ارتکاب بزه فراهم می کند.

• از بین بردن بی نظمی های کالبدی و به هم ریختگی فیزیکی مثل مکان های کثیف، ساختمان های مخروبه، دیوارهای ترک خورده که به نوعی باعث جذب بزه کاران و اعمال غیرقانونی آنها می شود. این مکان ها که در آنها نشانه هایی از بی توجهی و خرابی وجود دارد نشان می دهد ساکنین آن محله احساس آسیب پذیری بیشتری دارند و از مشارکت و محافظت اجتماع خود کنار کشیده اند. بنابراین احساس امنیت کمی دارند، این شاخص ها می توانند زمینه ایجاد جرم را فراهم کنند زیرا نشانه هایی هستند که ساکنین علاقه ای به مواجهه با بزه کاری ندارند تا خطر بزه کاری را در محل کاهش دهند.

• مکان یابی و احداث مراکز انتظامی حتی به صورت واحدهای کوچک در دو محله بخصوص در محدوده های تجاری و اداری ضروری به نظر می رسد.

• پالایش کارکردی فعالیت های ناسازگار و افزایش نقش های گردشگری، پذیرایی و فرهنگی با تکیه بر هویت کالبدی به ویژه رونق بخشیدن به فضاهای شهری در ایام تعطیل و شب ها.

• ایجاد گستره های برخوردار از مجموعه فضاها، محورها، عرصه های عمومی و بناهای مرمت و بهسازی شده و تجدید حیات یافته همراه با گستره های نوسازی شده جایگزین بافت های فرسوده، قدیمی و ناکارآمد.

- ایجاد یک مدیریت یکپارچه، کارآمد، مشارکتی و پاسخگو که از همه امکانات و ابتکارات برای جلب فرصت‌ها، دور کردن تهدیدها و تأمین احساس امنیت استفاده کند.
- طراحی اشکال یکدست در بافت محلات و حذف فضاهای بدون دفاع شهری.
- نورپردازی مناسب معابر و خیابان‌ها، حصارکشی ساختمان‌های رهاشده و اراضی متروکه، ساماندهی و توانمندسازی ساخت‌وسازهای کالبدی و توسعه اجتماعی در محله‌ها.
- ایجاد فضاهای تفریحی و فراغتی سالم، ساختن سالن‌های ورزشی، کتابخانه، پارک‌ها و بسیاری از مکان‌های تفریحی در محله ۱ جهت پر کردن اوقات فراغت ساکنان خصوصاً جوانان که تأثیر فراوانی در پیشگیری از جرم خواهد داشت.
- با توجه به اینکه بیشترین میزان وقوع جرم سرقت منزل، پیشنهاد می‌گردد، طراحی ساختمان‌هایی که در لبه‌ی خیابان قرار دارند به شکل مشرف بر خیابان باشند.
- با توجه به اینکه ورودی‌های یک محله نباید ویژگی دعوت‌کنندگی داشته باشند پیشنهاد می‌گردد، معابر اصلی با استفاده از موانع مسدودکننده مانند حصار و نرده محدود گردند.
- تعریض معابر و دسترسی‌های محله‌ای در محله ۱ به عرض حداقل ۸ متر.
- با توجه به اینکه کیفیت پیاده‌روها از نظر کف‌سازی و پوشش در محله ۱ نامناسب بوده و در اکثر نقاط دارای اختلاف سطح ناگهانی است پیشنهاد به ارتقا کیفی پوشش کف پیاده‌روها جهت تسهیل حرکت افراد پیاده می‌گردد.
- کاربری‌هایی که پتانسیل وقوع جرم و ناامنی را دارند در مکان‌های قابل‌رؤیت که نظارت عمومی در آن بخش است استقرار گردند.

منابع

- افروغ، عماد. (۱۳۷۷)؛ فضا و نابرابری‌های اجتماعی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
- اشنایدر، ریچارد، تر کرچین. (۱۳۸۷)؛ برنامه‌ریزی (شهری) برای پیشگیری از جرم، ترجمه فرزانه سجودی، سازمان تحقیقات و مطالعات ناجا (نشر اصلی اثر ۲۰۰۲)، تهران.
- بی‌نا، (۱۳۷۵)؛ بررسی علل برقراری روابط نامشروع زنان و دختران تهران، دفتر مطالعات و پیشگیری از وقوع جرم، مرکز تحقیقات قوه قضاییه، تهران.
- حبیب زاده، محمدجعفر، محسن شریفی و یدالله صادقی. (۱۳۹۱)؛ تحلیل اثرگذاری راهبردهای نظریه CPTED بر کاهش وقوع جرائم، مورد مطالعه: میدان‌های مهم شهر تهران، تهران.
- حیدریان، محمود. (۱۳۷۴)؛ روان‌شناسی و جامعه‌شناسی جنایی، نشر دهخدا، تهران.
- دانش، تاج‌زمان. (۱۳۶۸)؛ مجرم کیست؟ جرم‌شناسی چیست؟، انتشارات کیهان، تهران.
- رضازاده، راضیه. (۱۳۸۸)؛ بحران ادراکی-رفتاری در فضای شهری، ویژه‌نامه طراحی شهری، ماهنامه شهرداری‌ها، شماره ۲۳، تهران.
- رفیع‌پور، فرامرز. (۱۳۷۸)؛ آنومی یا آشفتگی اجتماعی، پژوهش در زمینه پتانسیل آنومی در شهر تهران، انتشارات سروش، تهران.
- ستوده، سارا. (۱۳۹۰)؛ بررسی امنیت شهروندان در محلات شهری (محلۀ جلفا اصفهان)، رساله کارشناسی ارشد، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان.
- ستوده، هدایت‌الله. (۱۳۷۵)، آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات)، انتشارات آوای نور، تهران.

- سیفالهی، سپیده. (۱۳۸۹)؛ بررسی تأثیر راهکارهای طراحی در برابر جرم در تحقق اهداف توسعه پایدار شهری (نمونه موردی خاک سفید تهران)، اولین همایش ملی معماری، مرمت و شهرسازی، تهران

- شامانی، محمدعلی. (۱۳۸۹)؛ جرم چیست، ماهنامه رشد، شماره ۸۷، تهران.

- صالحی، اسماعیل. (۱۳۸۷)؛ ویژگی‌های محیطی فضاهاى شهری امن، وزارت مسکن و شهرسازی، مرکز مطالعات و تحقیقاتی شهرسازی و معماری، تهران.

- عباسی، الهام. (۱۳۸۷)؛ شناسایی و تحلیل فضایی کانون‌های جرم خیز شهر قزوین با استفاده GIS، مشهد.

- کامران نیا. (۱۳۸۵)؛ تحلیل الگوهای فضایی و آینده‌نگری جرم در شهر شیراز (مورد مطالعه محلات مرکزی شهر)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.

- کلانتری، محسن. (۱۳۸۰)؛ بررسی جغرافیای جرم و جنایت در مناطق شهر تهران، رساله دکتری، دانشگاه زنجان.

- گسن، ریموند. (۱۳۷۶)؛ روابط میان پیشگیری وضعی و کنترل بزه‌کاری، ترجمه علی حسین نجفی‌ابراوندی، مجله تحقیقات حقوقی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۱۹-۲۰.

- گسن، ریموند. (۱۳۷۴)؛ جرم‌شناسی نظری، ترجمه مهدی کی‌نیا، انتشارات مجد، تهران. گومز، بواندیا (۱۳۸۰)؛ جرائم شهری گرایش‌ها و روش‌های مقابله با آن، ترجمه فاطمه گیوه چیان، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، چاپ اول.

- ماندل، رابرت. (۱۳۷۹)؛ چهره متغیر امنیت ملی، ترجمه و انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران.

- محسنی تبریزی، علیرضا. (۱۳۸۳)، وندالیسم (مبانی-روانشناسی اجتماعی-جامعه-شناسی)، نشر آن، تهران.
- مرتضوی، شهرناز (۱۳۶۷)؛ روان‌شناسی محیط، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- مزینی، سمانه. (۱۳۸۸)؛ مقایسه تطبیقی محله‌های شهری شیراز از نظر عوامل کالبدی مؤثر بر پتانسیل وقوع جرم و احساس امنیت و ارائه راهکارهای مناسب، دانشکده هنر و معماری شیراز.
- نجفی ابراندی، علی حسین. (۱۳۷۷)؛ هاشم بیگی، حمید، دانشنامه جرم، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- نظری، عزیز. (۱۳۸۹)؛ آسیب‌شناسی عوامل محیطی، کالبدی تسهیل‌کننده ارتکاب بزه‌کاری در مناطق شهری. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه زنجان.
- Brown Laure 2000, Geography of crime university of Wollongong school of Geosciences, from the word wide.
- Brunson, c. & Gilroy, R. & Madani Pour, A. & Roe, M. & Thompson, I. & Townshend, and T. 1995. SaFeTy, Crime, vulnerability & Desing a Proposed.